

سرانگستان خونین قالیبافان ترکمن بر «دار» قالی

محدوده جغرافیایی ترکمن از «بندر ترکمن» تا «چرگلان» (شمال غربی خراسان) ادامه می یابد و تقریباً یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ترکمن را در خود جای میدهد. ترکمنان ایران که درحاشیه جنوب شرقی دریای خزر در شهرهای بندر ترکمن (بندر شاه سابق)، آق قلعه (پهلوی دژ سابق)، گمش و قه و گند، کلاله، مراوه تپه، چرگلان (شمال جنورد) و نیز دربخشها و شهرهای دیگر بصورت دسته جمعی و یا پراکنده با اقوام فارس و ترک و... متحمله درگورگان و ازادشهر (شاه پسند سابق)، گنبد، مینودشت... زندگی می کنند. ترکمنان ایران از سه طایفه بزرگ تشکیل یافته اند. ۱- یموت ۲- تکه ۳- گوگلان که هر کدام از این طوایف به تیره ها و شاخه های متعددی تقسیم می شوند. ترکمنان دیرزمانی بود که درخانه های حصیری و نمدی و گلیمی نام اوی یا الاچیق زندگی میکردند و به مجموعه ای از این اوی ها، او به می گفتند که در اصطلاح فارسی این مجموعه اوی ها راده یا روستا می نامند.

رضاخان با سرکومی ترکمنان از روستا به طرف شهر سوق داد که قوم ترکمن به اجبار تن به شهر نشینی داد. آنگاه کشاورزی و دامداری آنها بکل حلقه ای وابسته به اقتصاد غرب شد. درحال حاضر اندک قبائلی وجوددارند که به صورت ایلی «چاروا» که دانشا در حرکت هستند و در بیلاق و قشلاق سر میبزنند و پایه های اقتصادی صحرا را بدوش می کشند و زندگی می کنند جا دارد دولت جمهوری اسلامی با برنامه های حساب شده به وضع این افراد زحمت کش جامعه برسد.

زبان مردم «ترکمنی» می باشد که زندگی وقرابتی با زبان اذری ترکی دارد و ریشه های این دوزبان نزدیک به هم است و این قوم تماماً پیرو دین مبین اسلام و اهل تسنن هستند و حنفی مذهب می

باشند و عمده ترین راه معشیت آنها کشاورزی و دامداری و صیادی و صنایع دستی مثل قالی بافی، گلیم بافی، پستی بافی و خرجین بافی و نمد مالی و... است ضمناً به پروراندن اسب نیز علاقمندند و اسبهای ترکمنی یکی از اسبهای خوش نژاد و معروف بشمار میرود. آن عده از ترکمنان که در ساحل دریای خزر زندگی می کنند، اغلب ماهیگیر هستند در تمامی نقاط ترکمن صحرا زنان و دختران هنرمند به کارهای دستی و هنرهای سنتی به ویژه قالیبافی و گلدوزی و... مشغولند.

هر شعر در بین مردم مسلمان ترکمن جایگاهی بس عظیم دارد و این قافله کاروان سالاری چون استاد مخومقلی فراغی دارد که حدود سیصد سال پیش چشم از جهان فرو بسته است. آثار این شاعر متعهد و مسلمان از جمله شاهکاری ادبیات ترکمنی است و او را می توان مولانای ترکمن نامید. از شاعران دیگر میتوان از کمینه، ذلیلی و مسکین قلیچ و... نام برد. از نظر تولید، ترکمن صحرا

بازرترین نقش را در اقتصاد مملکت اسلامی ایفا می کند. تولید عمده در زمینه کشاورزی در ترکمن صحرا عبارتند از: گندم، جو، پنبه، هندوانه، خربزه، دانه های روغنی مانند افتابگردان و در بعضی از نقاط ترکمن صحرا کشت شالی هم میسر است. ترکمن صحرا با داشتن زمینهای مرغوب و نیز وجود دهها کارخانه مهم پنبه و ارد و روغن بایک پروژه وسیع و مهم صنعتی کشاورزی می تواند بعضی از محسولات مورد نیاز کشور را تأمین و حتی صادر نماید و می دلیل نیست که پنبه این منطقه به طلای سفید معروف گشته است. در این منطقه پر برکت و پر حرکت، دو مسئله بیش از همه چیز اهمیت دارد. ۱-

مسئله فرهنگ و قومیت ۲- مسئله زمین. قوم مسلمان ترکمن به آداب و رسوم قومی خود عشق می ورزند اگر چه استبداد حاکم در رژیم پهلوی سعی داشت این فرهنگ را که ریشه در اسلام و سنت پیامبر داشت خدشه دار سازد ولی بالطبع خداوند متعال به موفقیت نائل نشدند منتهی نمره آن تلاش، سکون در فرهنگ بود و اما زمین که عامل مهم درگیریها در ترکمن صحرا بود از دیرباز توسط حکومت ملتپار بستی شاه و رؤسای ارتشی و مهاجران سرمایه دار تحت عناوین مضحک و با اعمال وحشیانه و غیر انسانی از چنگ مردم کشاورز این منطقه در آورده بی خانمان ساختند. ترکمنان را از خاک ابا، اجدادیشان آواره کردند هم اکنون مهمترین مسئله منطقه تقسیم اراضی است که لازم است هرچه زودتر دولت اسلامی زمینهای خاندان منفور پهلوی و اجدادیشان را که همان فنودلهای استثمار گر هستند گرفته به صاحبان اصلی و واقعی و به صاحبان دستهای پینه بسته کشاورزان بازگرداند.

هنر قالی و قالیبافی در ترکمن صحرا

قالی بافی یکی از صنایع دستی و هنرهای است که ترکمنان بیشتر از هر هنر و صنعتی به آن علاقمندند. که اکنون قالی بافی با فرهنگ ترکمنی در آمیخته است به طوریکه اشاره شد بافتن قالی و قالیچه در نقاط ترکمن تشبیه کار زنان و دختران ترکمن است. زنان در تاریخ و جامعه ترکمن نقش بسیار حساس و ظریف دارند و بعنوان عامل مؤثر در

تولید و تقویت هرچه بیشتر خانواده و تیره و طایفه به حساب می‌آیند. و در امر تولید نقش مهمی دارند. در حال حاضر زن روستایی ترکمن بارسنگین زندگانی را پرروش دارد. مرد به خاطر روح کاذب مرد سالاری بیشتر به کار اصلی خود مشغول است ولی زن نه تنها کار خانه را انجام میدهد بلکه هر روز پیش از طلوع آفتاب برخاسته، اگر گاو و گوسفندی داشته باشند که اغلب دارند می‌دوشد و اگر نداشته باشند مایحتاج صبحانه را فراهم می‌سازد و سپس همراه همگام و همدوش مردخانه به سوی کشتزار می‌شتابد یا بر «دار» قالی دست می‌آویزد.

ذوق و سلیقه‌ای که این دختران و زنان در بافتن قالی به کار می‌برند، گاه موجب خلق آثار هنری بی نظیر در عالم قالی بافی می‌گردد. بهترین قالی ترکمن را می‌توان نزد طایفه «تکه» یافت. مرکز اصلی این طایفه در چهارده فرسنگی شمال شرقی گنبدکاووس و در محلی بنام جرگلان است ولی مقدار تولید قالیهای آنها به بیش از یکهزار تخته در سال نمی‌رسد. قالی تولیدی ایل «آتابای» که نزدیک «گنبد» و «مراوه تپه» سکونت دارد اگر چه از لحاظ مرغوبیت به پای قالی و قالیچه‌های طایفه‌های «تکه» و «نخورلی» نمی‌رسد اما از لحاظ کمیت به هزاران تخته، در سال بالغ میشود.

افراد ایل «جعفریای» در بخشهای گمش «رق»، بندر ترکمن، خواجه نفس و آق قلا زندگی می‌کنند و تعداد قالی و قالیچه‌های این ایل نیز در سال به هزاران تخته می‌رسد که از مرغوبیت خوبی برخوردار است. قالی و قالیچه‌های ترکمن به طور کلی دارای گره ترکی بافی می‌باشد که در روی دستگاههای افقی بافته می‌شود. تار و پودش نیز در همان نواحی آماده و دست ریس می‌شود. ابتدا پشم را خوب می‌شویند و سپس بعد از خشک شدن با چوب می‌زنند و بعد، از شاخه فلزی می‌گذرانند تا برای بافتن و ریسیدن راحت باشد. سپس آن را با دوک می‌تابند و به صورت نخ در می‌آورند و مقداری را به رنگهای مختلف می‌آمیزند تا اینکه برای بافتن آماده گردند. این خلاصه‌ای است از نحوه آماده کردن پشم گوسفند برای قالی بافی در دهات و روستا و شهرهای ترکمن صحرا با وجود آنکه زحمت اینکار بیش از دست مزد آن بود زنان زحمتکش ترکمن برای گذراندن زندگی، این زحمت سنگین را نادیده گرفته با مبلغی ناچیز انجام اینکار را بعهده می‌گرفتند.

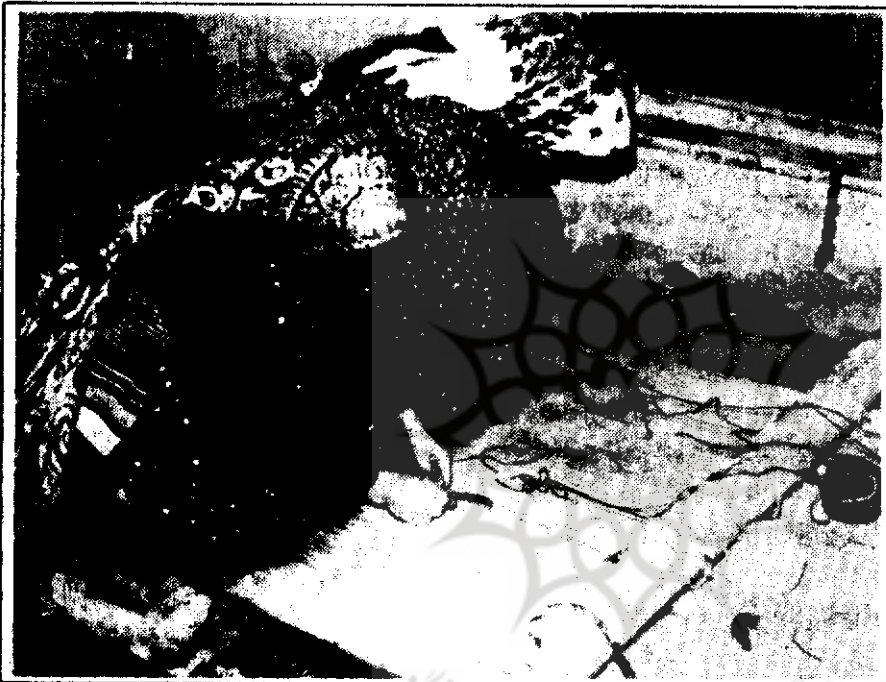
ولی اکنون باقی مانده تاجران و سرمایه داران استثمارگر به بهانه اینکه زحمت زنان را کم کنند و بقولی آنان را راحت نمایند، ریسیدن و رنگ دادن را توسط کارخانه به انجام می‌رسانند.

بافت قالی

مراحل ابتدائی قالیبافی یعنی چهارچوب قالی در تمامی وطنان یکی است. تار را به صورت

استاد قالی باف «نقشه خوان» نیز هست و رنگها را برای شاگردان جور می‌کند. نقشه قالی امکان دارد تکراری باشد در این گونه موارد معمولا از یک چهارم تخت برای همه قالی استفاده می‌کند، ولی اگر تمامی نقشه‌های قالی

شبهه به هم نباشد مانند منظره صورت انسان و یا... آن وقت نقشه قالی تقریبا به اندازه تمام آن می‌باشد که آن را قطعه قطعه کرده و هر قطعه را در جای



موازی روی دستگاه قالی بافی که به آن «دار» می‌گویند قرار میدهند. معمولا تیر یا میله بالا و پایین دستگاه را به قسمت‌های مساوی تقسیم می‌کنند و این تارها به تعداد و فاصله‌های مساوی در این بخشها قرار می‌گیرند همچنین تعداد گره‌های قالی به صورت متناسب و مساوی تقسیم می‌گردد. در دوسر قالی چند سانتی متر از تارها را بصورت پارچه معمولی می‌بافند که به آن گلیم بافی یا «مسوف» می‌گویند. سپس تارها را گره زده و شانه می‌کنند و آن را هم ریشه می‌گویند. طرف دو لبه راست و چپ قالی را با چند نخ ابریشمی یا پشمی از نوع «خواب فرعی» می‌گذرانند تا استحکام لبه‌های قالی که در مجاورت عوامل خارجی مختلف است بیشتر گردد و به آن در اصطلاح «لوار» دوزی می‌گویند. اندازه طول قالی متفاوت است. در روی قالی امکان دارد یک استاد و چند شاگرد باهم کار کنند، معمولا خود

خود بکار می‌برند. وقتی بافت مقدماتی قالی آغاز شد کار قالی بافی که عبارت از زدن گره کوچک یا دستهای قالی بافان که با استفاده از ساده ترین ابزار که بصورت کاردک است شروع می‌شود، امکان دارد هفته ها و ماهها روی یک قالی وقت صرف شود. در طول این مدت، کارگر قالی باف باید بدون وقفه، کار گره زدن را انجام دهد. می‌توان کار «گره زنی» را از طرف چپ یا راست قالی شروع کرد. این گره ها خانه های متفاوتی دارند و قسمت های بافته شده همچنان به عقب دستگاه قالیبافی که افقی میباشد رانده می‌شود. پس از بافت هر «رج» از گره ها از روی آنها یک یا چند نخ «پود» را می‌گذرانند و با آلای آن را به پایین فشار میدهند و یا با پاره آهنی کوبیده تا گره ها کاملا محکم شود پس از بافت چند «رج» سر ریشه ها باید چیده شود. قبیجی های ورق بزیند

مخصوص این کار در نقاط مختلف دارای اشکال و اندازه های متفاوت است. پس از آنکه کار قالی بافی تمام شد آن را در روی زمین پهن کرده و به صورت یکنواخت سطح قالی را مسیقل می دهند تا کاملاً صاف گردد.

نکاتی چند در مورد ابزار و آلات و واژه های قالیبافی در ترکمن صحرا

چنانکه گفته شد دو نوع دار قالی وجود دارد: یکی عمودی و دیگری افقی.

در ترکمن صحرا از نوع دوم که بصورت افقی ساده می باشد استفاده می شود که از دو تیر محکم و راست و موازی یکدیگر تشکیل شده است و دارای شکافی می باشد که بتوان در آن تیرکها را نصب نمود. این دار توسط چهار میخ چوبی یا فلزی به روی زمین محکم شده و نخهای تار به صورت منظم و موازی و عمودی از آنها عبور می نماید. این دستگاه مستحکم گاهی توسط میخهای اطراف آن به روی زمین کوبیده می شود و از این گذشته اشخاص یا شخصی که روی دار قالی قرار می گیرد نیز باعث ثبات دستگاه می گردد. می توان روی دستگاه الوارهای چوبی یا سنگ یا آهن یا جسم سنگینی قرار داد که حرکت نکند. این دستگاه را می توان از جایی به جایی حمل و نقل کرد و قالی نیمه کاره را جابجا نمود البته از این نوع دستگاه برای انواع و اقسام قالی و قالیچه و بشتی میتوان استفاده کرد ولی متأسفانه این نوع دستگاهها که تمامی قالیباغان ترکمن از آن استفاده می کنند از نظر بهداشتی خطرات زیادی دارد زیرا قالی باف که روزی چندین ساعت جهت بافتن قالی وقت صرف می کند مجبور است دائم رو به جلو خم شود و این باعث می شود که پس از مدتی صاحب قالی خمیده و اندامی نحیف گردد.

ابزارهای قالی بافی عبارتند از: «دار قالی» که در اصطلاح ترکمن «قوراما» نامیده می شود. «دارد قیج» نوعی چوب نیمه بلندی است که برای برآوردن یا بالا آوردن نخهای داربست استفاده میشود. «کسگر» یا «که سر»: آنتی کوچک مخصوص برای برداخت قالی است که شبیه کاردک یا قیچی بلند است.

«سن نی»: نوعی قیچی بلند است که برای بریدن زوائد قالی استفاده می شود.

اصطلاحات و واژه های قالی بافی در ترکمن صحرا

در طی چند هزار سال که از عمر صنعت قالی بافی و رنگرزی در نزد ترکمنها می گذرد لغات و واژه های بیشماری در زبان و ادبیات این قوم مسلمان و هنر دوست به کار برده شده است. واژه هایی که نزد قالیباغان ترکمن بیشتر رواج دارد عبارتند از:

«آفاق»: طرحی است که ایل «آتابای» در ترکمن صحرا از آن استفاده می کنند.

«اینه گل»: عس قالی و طرحی است که ایل «جعفربای» در ترکمن صحرا استفاده می کنند.

«افغانی» (اوقانی): طرحی است که توسط ایلات ترکمن ساخته می شود.

«درناب گل»: طرحی است که ایل «آتابای» از آن استفاده می کنند.

«ماری گل»: طرحی است که توسط ایلات ترکمن بافته می شود.

«تکه گل»: طرحی است که توسط ایلات ترکمن بافته می شود.

«نقشه گل»: طرحی است که ایل «آتابای» از آن استفاده می کنند.

استفاده از رنگ و مواد رنگی قالی نسبتاً در همه جای ایران یکی است.

زاج سفید: (سولفات مضاعف - آلومینیم و یتاسیم)

زاج سیاه: (سولفات آهن)

زاج سبز: (سولفات مس)

کات کبود: (سولفات مس)

رنگهای مصرفی قالیباغان در گذشته «قرمز دانه» و «روناس» بود که با دندان زاج بکار می رفت

و شفافیت و رنگ مخصوص قرمز آن بهترین مصرف کار قالی باغان ترکمن صحرا بود. امروز

کمابیش رنگهای شیمیایی جای رنگهای سنتی را در بین ترکمنها گرفته است. امید آنکه با توجه به

فراوانی گیاهان رنگی در کرانه های دریای مازندران و جنگلهای مازندران و گرگان بتوان روشهای

رنگرزی گذشته را در بین تراکمه رواج داد. در مورد اصطلاحات قالی میتوان از

«کاغذ قالی» و «نقشه قالی» نام برد که قالیبان و نقشه خوانان قالی از آن استفاده می کنند. کلمه و اصطلاح

«پود» نیز که قبلاً اشاره رفت نخهای عمود بر تار است که در عرض قالی در بین گوشت قالی خوابیده است.

زندگی تاریک قالیباغان ترکمن

قالیباغان در ترکمن صحرا سرگذشت ملال آوری دارند زنان پیر و میان سال در کنار دختران کم سن و سال با چهره های بی نور و چشمانی کم سو با دستانی پینه بسته در اطاق هایی نور کم بیشتر به محل نگهداری حیوانات اهلی شباهت دارد یا شانه های افتاده پشت خمیده و قوز کرده، پشت دار نشسته، عمر و زندگی شان را به دار می کشند. هر

روز بیش از اذان صبح برخاسته تا پاسی از شب بیش از ۱۶ ساعت کار میکنند و استراحت برای آنان

معنی و مفهومی ندارد. روزی ۳۰ الی ۴۰ تومان بیشتر مزد ندارند. آنان قربانی قالیبافی میشوند و

برعکس، کسانی هم هستند که میلیونها تومان درآمد دارند و این سرمایه داران و خریداران قالی و قالیچه

هستند که روی هر قالی و قالیچه ۲ تا ۴ برابر قیمت آن سود میبرند؟ مثلاً یک قالیچه پشتی را که امروز

خریداران زیاد دارد یک دختر ترکمن بین ۱۵ تا ۲۰ روز به اتمام میرساند آنهم در ازای ۱۵ ساعت کار در

یک روز پس از فروش با کسر قیمت پشم و غیره که بگرن قالی باف است، مبلغی ما بین ۴۰۰ الی

۸۰۰ تومان باقی می ماند. حال اگر ما میانگین آن یعنی ۶۰۰ تومان را در نظر بگیریم، این ۶۰۰ تومان

در مقابل کار او یعنی به ازای ۱۵ الی ۲۰ روز است که چیزی معادل ۳۳ تومان از هنگام اذان صبح تا

نیمه های شب انجام می دهد. آنهم بدون دقیقه ای استراحت. حتی بعضی ها که قالی بزرگتری را

سفارش می گیرند، چند نفری می بافند و صبحانه و نهار و شام را روی همان قالی می خورند و پس از

جمع کردن سفره بلافاصله مشغول قالی بافی میشوند و به فرزندان خردسالشان در حالیکه مشغول

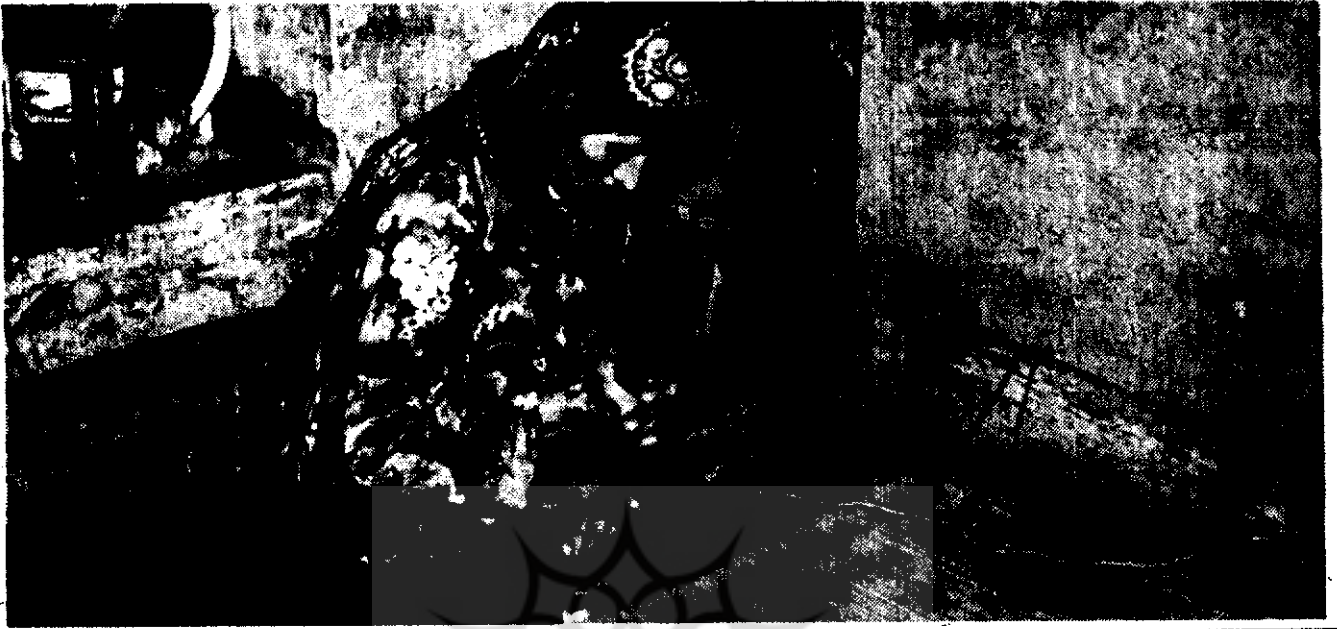
کار هستند شیر می دهند و فرزند در آغوش مادر، در حال قالی بافی بخواب می رود. این گونه بچه داری

و اینگونه گذران عمر حاصلی جز بیماری های گوناگون نخواهد داشت آنهم در اطاقی که هم اطاق

پذیرایی، هم اطاق خواب و هم آشپزخانه و هم حمامشان است. این وضع رفت بار در سراسر ترکمن

صحرا بر قالیباغان تیره روز حاکم است. وضع قالیباغان را می توان در فقر و نداری و بیماری

خلاصه کرد. آنها از ابتدائی ترین امکانات زیست



یعنی بهداشت و تندرستی و از ساده ترین حقوق اجتماعی یعنی تامین آینده بی بهره اند. از دختران کم سن و سال گرفته تا پیر زنانی که قالی بافته و سوی چشمان خود را از دست داده اند، برای گره زدن دار قالی مجبورند سر خود را تا ۵ سانتیمتری قالی پیش ببرند و به همین دلیل است که اغلب به مرض نزدیک بینی دچارند و برای بهبود چشمان بی فروغشان راه گزینی ندارند. این سرنوشت بیش از چند هزار قالیباف سیه روز ترکمن در ترکمن صحرا نیست، بلکه درد بیش از یک میلیون انسان روستایی و حدود ۲۰۰ هزار قالیباف کشور است که حقوقی بسیار ناچیز در ازای ساعت‌ها کار طاقت فرسا در روز دریافت میدارند. آنان حسرت داشتن مبالغی ناچیز دارند که خودشان سرمایه کنند و بیافند ولی نداشتن سرمایه باعث شده است سرمایه داران با درک ضعف مالی قالیبافان بتوانند هر طور که مایلند بهره‌کشی کنند. مثلاً به یک خانواده سفارش می‌دهند و مبالغی را هم برای بافتن قالی و قالیچه پیشنهاد می‌کنند اما اگر آنها قبول نکنند، هستند کسانی که به علت مضیقه قالی پیشنهاد این مبلغ ناچیز را قبول کنند. در نتیجه قالیباف به دستمزد ناچیز اکتفا کرده قالی را می‌بافد زیرا اغلب خانواده‌شان در فصول متفاوت بیکارند. زیرا خانواده‌هایی هستند که حتی یک وجب زمین ندارند که سرپناه کنند چه برسد بکارند. کار صیلدی هم نمی‌تواند بکنند و شغل آزادشان هم سرمایه

می‌خواهد در یک خانواده ترکمن که پدر و پسر مادر و عروس با هم زندگی می‌کنند از دختر بچه‌های ۹ الی ۱۵ ساله گرفته تا پیر زنهای ۸۰ ساله در کارگاه کوچک خانه چنانکه اشاره رفت کار میکنند و همچنان تحت استثمار چند تاجر بزرگ فرش هستند بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاجران فرش بعثت رکود اقتصادی دست از هر نوع معامله شسته و از خرید فرش تک فروشان عملاً خودداری نمودند و بقولی چون نمی‌خواستند سرمایه خود را به خطر بیندازند و از سویی به سرنوشت انقلاب اسلامی نیز ایمان نداشتند نه تنها به قالیبافان کمک نکردند بلکه سنگ اندازی هم کردند و به طریق دیگر به استثمار این انسانهای پاک پرداختند آنان به بهانه اینکه زحمت زنان و دختران زحمتکش ترکمن را کم کرده اند با منت میگویند: ما این همه زحمت شماها را کم کردیم! پشم را آماده بدستان می‌دهیم، پس شماها نیز قالی بافته شده را با نازل ترین قیمت بما بدهید! و آنها در مقابل حرف تاجران و سرمایه داران ساکت شده و قرار داد را امضاء می‌کنند. سرمایه داران بلافاصله بعد از اتمام بافت قالیچه‌ها، با این توجیه که نصف بهای آن نیز صرف تهیه ابریشم و وسایل ضروری قالی شده در حدود ۲ تا ۴ برابر خرید قالی یا قالیچه را فروخته و سود می‌برند، مطالعات انجام گرفته درباره قالی بافی در روستاهای ایران نشان میدهد که قالیبافی عمدتاً در مناطقی رواج دارد که دچار بی‌آبی هستند

و زراعت آنان دیمی است و حتی نوع بافت قالی هم کم و بیش با مقدار آب ارتباط دارد. در تمام نقاط ترکمن نشین از کارگاههای قالیبافی بشکلی که در سایر شهرهای ایران رایج است اثری دیده نمی‌شود بلکه در خانه به وسیله اعضای خانواده بافتن می‌شود. از صبح تا پاسی از نیمه شب شانه بردار قالی می‌زنند و فرد فرد از جان خود مایه می‌گذارند. این دار قالی باز بچه‌ای برای آنها نیست بلکه آنها باز بچه دار قالی اند.

سلامتی و تندرستی خود را با دستشان بردار قالی گره می‌زنند و با دست دیگر شان آنها را قطع می‌کنند و تا بعد از مدتها رجر یک قالی به سرمایه دار تقدیم کنند و ناگفته نماند که فروشندگان دوره گرد قالی و بخصوص دلانان بزرگ نیز سهم بسزایی در چپاول دست رنج قالی بافان دارند.

ابعاد دیگر در چهارچوب قوانین اسلامی برای دفاع از حقوق حقه شان و شرکت فعال آنها در انقلاب و دایر کردن کلاسهای ایدئولوژی و برآوردن امکانات رفاهی برای خواهران قالیباف در شهر و روستا و بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهی در زمینه‌های فرهنگی و ایجاد کلاسهای سوادآموزی و کتابخانه در سطوح مختلف و همچنین آموزشگاههای عملی قالی بافی و کلیه بافی و مرمت در نوع قالی باشد.

۴ - عمران و آبادی و ایجاد مراکز بهداشتی برای

بقیه در صفحه ۵۸

بغض حلقه محکمی از حلقه های ایمان

از حضرت موسی (ع) خواست

آیا برای من کاری انجام داده ای یا نه، موسی در جواب عاجز شد مدتی فکر کرد، چهار عمل از اعمال خود را پیشنهاد کرد، خدا در میان اعمالم این چهار عمل را پیدا کردم که برای توست، نماز من، روزه من، صدقه من، ذکر من اینها برای توست، فرمود موسی اینها نیست، اینها خوبند، اینها عملند، من یک عمل والاتر و بالاتری میخواهم و آن این است یا موسی «هَلْ أَحْبَبْتُ لِي أَحَدًا، هَلْ أَحْبَبْتُ لِي وَلِيًّا وَهَلْ أَهْدَوْتُ لِي عَدُوًّا» موسی برای خاطر من دوست داشته ای؟ و برای خاطر من دشمن داشته ای؟ موسی از نماز بالاتر، از روزه بالاتر، از صدقه و ذکر بالاتر آن عملیست که مخصوص من است و من آنرا میخواهم، که آن دشمنی با دشمنان من، نهضت علیه دشمنان من و قیام علیه طاغوت و عمل بد است.

ادامه دارد

درنده باشید این روایت بما میگوید حمله کنید، یعنی روزی جهان گرگ می شود، دولتها گرگ می شوند و برای استعمار ملتها قدم بر میدارند و میخواهند شما را هم استعمار کنند، شما را هم بدرند، باید در آن زمان شما هم صفت گرگی بر خود بگیرید، آری در مقابل گرگ انسان باید گرگ شود و در مقابل پلنگ، پلنگ شود و در مقابل متکبر، متکبر شود و در مقابل حمله، حمله کند و الا انسان را نابود میکنند، معنای این جمله این است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» آری پیروان قرآن در مقابل گرگها گرگی بودن نشان دهید، قیام کنید، حمله کنید که الحمدالله به پیروی از امام قیام کردید و حمله کردید و این یکی از بهترین صفات است که قرآن این صفت را میستاید جمله ای در روایتی میخوانم که سابقا اشاره کردم، خداوند

اسلامی، انسان نیست انسان بی حرکت در منطق قرآن انسان زنده نیست، انسان مرده است روایتی به خاطر آمد از آن روایتهای کثیر المعنا، و پرمحتواست که دلم میخواهد خوانندگان محترم عبارت امام را در قلبشان بنگارند و بفهمند که چه میفرماید عبارت مال پیامبر اکرم (ص) است.

«سأتی الناس زمان یكون الناس فی حد عابا و...» بر امتان من زمانی خواهد رسید که دنیا همه گرگ درنده خواهند بود (مردم همه مانند گرگ درنده خواهند بود که الان در یک چنین زمانی واقع شده ایم) اگر امت من، اگر شیعه من، اگر پیرو من گرگ شود میتواند زندگی کند و گرنه گرگها او را خواهند خورد، این روایت چه میگوید، این روایت بما میگوید گرگ باشید، این روایت بما میگوید

سرانگستان خونین...

کمک و بهداشت خواهران قالیباف برای سلامتی و تندرستی شان و نیز بیمه حوادث شخص
۵ - ایجاد محیطی سالم برای کارهای تولیدی قالیبافان در شهر و بخش و روستا بصورت کارگاههای صحیح تحت نظارت دولت جمهوری اسلامی بصورت رسمی و با نیمه رسمی که دسترنج آنان مستقیما به خودشان برگردانده شود و آینده و زندگیشان تأمین گردد و دولت موظف باشد بازار فروش را از انحصار سرمایه داران خارج کند.
۶ - دولت برای بالا بردن سطح تولید و معلومات

هنر قالیبافان منطقه وارد عمل شود و برای این کار کلاسهای تخصصی بوسیله استادان فن قالیبافی در منطقه دایر نمایند.
۷ - هنر قالیبافی را از وضعیت کنونی خارج کرده به یک حرفه و هنر زیربنایی برای اقتصاد کشور تبدیل نماید و برای اینکار از امکانات و تکنیک بهره بگیرند و دولت جهت بازاریابی در جهت سطح جهانی بوسیله تبلیغات و سایر برنامه ها بکوشند.
۸ - یک بازارچه کردن صنعت قالیبافی در سراسر

مملکت و سپردن مسئولیت آن به یک اداره و سازمان مشخص
۹ - به این امید که دیگر در سرزمین الله اکبر و اسلام اینگونه رنج و استضعاف که حاصل هزاران سال حکومت تنگین شاهنشاهی در وطنمان است ناپود گردد و به این امید که دیگر مستکبرین و طاغوتیان با فریاد الله اکبر، خمینی رهبر در هم فرو ریزد کاخ ستمگران با آوای ملکوتی قرآن مجید خود و واژگون گردد و فرهنگ نجات بخش اسلام جایگزین فرهنگهای چپ و راست و طاغوتی و استثمار شود.

توصیه های امام...

و در پایان این مقاله بایستی از ادامه دهنده گان راستین راه امام علی (ع) سخن بمان آورد از بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی و از فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری و از دیگرانی که در سخت ترین لحظات و با از دست دادن بزرگترین شخصیتهای جمهوری اسلامی پیوسته امر به عدل و پرهیز از انتقامجویی می نمودند.

و براستیکه عدالت با نام علی (ع) گره خورده است و چه زیبا سروده است شهریار، شاعر معاصر:
بجز از علی که گوید به پسر که قاتل من
چو اسیر تست امروز، به اسیر کن مدارا
و قریب بهمین مضمون در جاهای دیگر نهج البلاغه آمده است از جمله در سخنان آنحضرت که اندکی قبل از شهادت ایراد شده و در نامه شماره ۲۳ نهج البلاغه آمده است.

واحد حفاری جهاد...

قدرت آن بین ۲۰٪ - ۲۵٪ میلیون ریال الی ۷۰٪ میلیون ریال میباشد، واحد از ابتدا سعی نموده است که با کامل نمودن حداقل تجهیزات مورد نیاز و تأمین و تربیت پرسنل فنی و بکارگیری کامل دستگاه بجای اضافه نمودن دستگاه حفاری، بازده کاری یکدستگاه را افزایش دهد که انجام این کار عملا با مشکلات متعددی مواجه بوده است که الحمدالله بخشی از این کار تا کنون انجام و بخشی نیز در دست اقدام میباشد.
ادامه دارد...